



۱۳۶

سوسیالیسم امروز

۱ آذر ۱۳۹۹ - ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰

iransocialist2017@gmail.com

سرور: آزکیما

www.simroz.org

**"انتخابات" امریکا  
و پیامدهای آن برای منطقه،  
جمهوری اسلامی و اپوزسیون  
(متن گفتگوی مینا تهرانی با سلام زیجی)**

صفحه ۴

**کدام آبان؟  
آبان پایمال شده!**

صفحه ۹

**کوید ۱۹  
و اقدامات تازه  
جمهوری اسلامی قاتل!**

**قوانین کار  
و رفاه اجتماعی**

مادام که سرمایه بر حیات انسان ها حاکمیت دارد، مادام که فرد برای تامین مایحتاج خویش ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان وسائل تولید است، مادام که نظام مزدگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، هیچ قانون کاری، هر قدر مواد و تبصره هایی به نفع کارگران در آن گنجانده شده باشد، قانون کاری به راستی آزاد و کارگری نیست. قانون کار واقعی کارگران، نفی نظام مزدی و ایجاد جامعه ای است که در آن هر کس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید وسائل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد.

اما در عین حال، مادام و هر جا که نظام کار مزدی برقرار است، جنبش کمونیستی کارگری برای تحمیل آنچه شرایطی به قوانین و مناسبات کار در این نظام تلاش میکند که حداکثر آسایش و رفاه ممکن و مناسب ترین شرایط کار را برای کارگران تضمین کند و طبقه کارگر و کل شهروندان را از عواقب مخرب نظام کار مزدی هرچه بیشتر مصون دارد. کمونیسم کارگری در این مبارزه همچنین برای برقراری شرایط و موازین کاری تلاش میکند که ارتقاء خودآگاهی طبقاتی و تشکل و توان مبارزاتی طبقه کارگر را به بهترین شکل ممکن تسهیل نماید.

صفحه ۲

**کارگران جهان متحد شوید!**

## قوانین کار و ...



قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و وظایف شهروندان کشور باید بدون هیچ تبعیضی شامل کارگران خارجی و خارجیان مقیم کشور گردد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است.

رئوس مطالبات حزب سوسیالیست انقلابی در زمینه قوانین کار و رفاه اجتماعی عبارتند از :  
قانون کار

۱- آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل کارگران .

۲- آزادی کامل و بی قید و شرط اعتصاب. اعتصاب کارگری نیازمند هیچ مجوزی از جانب دولت و مقامات دولتی نیست. پرداخت حقوق کامل در ایام اعتصاب. حق برابر برای اعتصابیون برای توضیح علل اقدام خویش و پاسخگویی به اظهارات دولت و کارفرمایان از رسانه های عمومی. ممنوعیت غیر قانونی کردن موردی اعتصابات به هر بهانه، نظیر "منافع ملی و میهنی"، "شرایط اضطراری"، "شرایط جنگی" و غیره.

۳- ممنوعیت استخدام اعتصاب شکن و یا بکارگیری نیروهای نظامی و انتظامی بجای اعتصابیون در کلیه بنگاه ها، اعم از خصوصی و دولتی .

۴- حق دست از کار کشیدن برای کارگرانی که در اعتراض به برخورد و عملکرد کارفرما و عوامل او، مسائل ایمنی و یا بروز مشکلات پیش بینی نشده در محیط کار، موقتا کار را متوقف میکنند تا به اعتراض آنها رسیدگی شود .

۵- آزادی پیکت در برابر بنگاه ها. آزادی پیوستن به پیکت های کارگری برای همه مستقل از اشتغال و یا عدم اشتغالشان در بنگاه مربوطه .

۶- برقراری فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)، ۲۵ ساعت در کارهای سخت و کاهش منظم آن در فواصل ۵ ساله. احتساب زمان صرف غذا، فرصت معینی برای رفت و آمد، زمان استحمام بعد از کار، کلاس های سوادآموزی و آموزش فنی و زمان تشکیل مجمع عمومی جزو ساعات کار .

۷- تعطیلی دو روز متوالی در هفته. انتقال روزهای تعطیل در هفته به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان و بویژه کشورهای پیشرفته صنعتی. حداقل ۳۰ روز مرخصی سالانه. مرخصی کوتاه اضطراری بدون کسر حقوق، علاوه بر مرخصی سالانه، برای رسیدگی به مشکلات پیش بینی نشده شخصی و خانوادگی. امکان استفاده کارگران زن، به تشخیص خودشان، از دو روز مرخصی برای دوره عادت ماهانه.

۸- ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود.  
۹- تعطیل رسمی روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر.



۱۰- تعطیل رسمی ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن.

۱۱- ممنوعیت هرگونه کار - مزدی، نظیر قطعه کاری و کار کنتراتی.

۱۲- تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران.

۱۳- بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم.

۱۴- تعیین حداقل افزایش سالانه نرخ دستمزدها از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکل های کارگری در مقیاس سراسری با نمایندگان سراسری کارفرمایان و دولت.

۱۵- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه.

۱۶- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی و غیر نقدی. ممنوعیت تاخیر در پرداخت دستمزد. ممنوعیت هر نوع کسر دستمزد و جریمه به بهانه های مختلف. پرداخت حقوق برای غیبت های موجه، دوران بیماری و نقاهت، ایام اعتصاب و یا هر نوع توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه های کارفرما.

۱۷- ممنوعیت مرتبط کردن دریافتی کارگران به شرایط و فاکتورهایی جز نفس انجام کار (نظیر افزایش تولید، بارآوری، انضباط، حد نصاب تولید و غیره) همه دریافتی کارگران باید بطور یکپارچه بصورت مزد پرداخت شود.

۱۸- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال.

۱۹- ممنوعیت سپردن کار سنگین به کارگران باردار و یا کارگرانی که بدلائل مشخصات فیزیکی خاص سلامتی شان در مخاطره قرار میگیرد. حق هر کارگر به امتناع از انجام کاری که از نظر جسمی و روحی برای خویش مضر ارزیابی میکند.

۲۰- ممنوعیت اخراج. پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید. موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که به دلیل تعطیلی بنگاه ها بیکار میشوند. آموزش حرفه ای جدید به هزینه دولت برای کارگرانی که حرفه و یا رشته آنها بدلیل تغییرات تکنولوژیک از دور

خارج می شود. ادامه ←

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## قوانین کار و ...

۴- طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب، و در دسترس برای همه. معاینه منظم و واکسیناسیون کامل کودکان. تضمین برخورداری همه کودکان از یک رژیم غذایی کافی و مناسب مستقل از سطح درآمد خانواده، منطقه و محل اقامت و غیره. ریشه کن کردن بیماری های اپیدمیک و عفونی ناشی از عدم سلامت محیط زیست، معاینه منظم همه شهروندان در برابر بیماری های قلبی، سرطان های رایج و بیماری هایی که تشخیص به موقع آنها در درمان و تخفیف عوارض آنها حیاتی است. گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی، اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه. گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی به نحوی که دسترسی فوری به طبیب و دارو و درمان برای کلیه ساکنین کشور آسان باشد.

۵- آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی. آموزش عالی (دانشگاهی، تخصصی) رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان. پرداخت کمک هزینه کافی به دانشجویان. ریشه کن کردن بیسوادی و رشد دائمی سطح سواد و اطلاعات علمی و فنی اهالی کشور. آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

۶- تامین و تضمین مسکن مناسب، از نظر فضا، بهداشت و ایمنی و خدمات شهری (برق، آب گرم و سرد، آشپزخانه، حمام و دستشویی داخل ساختمان، وسایل تهویه و گرما، امکان اتصال به شبکه های تلفنی و تلویزیونی و دسترسی به خدمات عمومی محلی) برای همه. هزینه مسکن نباید از ۱۰ درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد و مابقی هزینه، در صورت لزوم باید توسط سوبسید دولتی تامین گردد. بی مسکنی و یا اجبار افراد به زندگی در مسکن پائین تر از استانداردهای مصوب، غیر قانونی است و مراجع دولتی موظف به فراهم کردن فوری مسکن مناسب برای کلیه شهروندان هستند.

۷- ایجاد موسسات خدماتی ویژه در سطح محلی و در مجتمع های مسکونی به منظور کاهش بار کار خانگی و تسهیل شرکت بیشتر همه مردم در فعالیت های اجتماعی، نظیر شیرخوارگاه، مهد کودک، غذاخوری ها و سلف سرویس های عمومی، رختشویخانه های مدرن و غیره.

۸- ایجاد تسهیلات ورزشی و هنری و فرهنگی رایگان (ورزشگاه، سالن ها و کارگاه های نمایش، کتابخانه، و غیره) و اختصاص مربیان و آموزگاران کافی در سطح محلی.

۹- ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت فعال معلولین و افراد دارای نقص عضو در کلیه شئون زندگی اجتماعی. ایجاد تسهیلات و تجهیزات ویژه معلولین در اماکن عمومی، معابر، مجموعه های مسکونی و غیره. تامین و پرداخت هزینه وسایل و ابزارهای فنی و کمکی ضروری برای تسهیل زندگی روزمره افراد دارای نقص عضو.

۱۰- ایجاد تسهیلات و موسسات خدماتی برای رفع نیازهای ویژه سالمندان و بهبود کیفیت زندگی آنان. ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای ادامه شرکت فعال و خلاق سالمندان در زندگی اجتماعی.

۱۱- تامین شبکه اتوبوسرانی و متروی درون شهری رایگان.

۱۲- ایجاد کلیه تسهیلات شهری (برق، آب، تلفن، مراکز آموزشی و پزشکی و فرهنگی و غیره) در کلیه مناطق روستایی و از میان بردن تفاوت رفاهی شهر و روستا.

بر گرفته از "برنامه یک دنیا بهتر"، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

باز پخش: شماره ۱۳۶ نشریه سوسیالیسم امروز

۲۱- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که بعزل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۲۲- تقلیل سن بازنشستگی برای زنان و مردان به ۵۵ سال یا پس از ۲۵ سال سابقه کار (۱۸ سال در کارهای سخت). پرداخت حقوق بازنشستگی معادل بالاترین حقوق دریافتی در دوره اشتغال. ترمیم بیمه بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها.

۲۳- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان. نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری های حرفه ای و ناشی از کار، توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت.

۲۴- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست می دهند.

۲۵- تشکیل هیات های حکمیت و حل اختلاف متشکل از افراد منتخب کارگران.

۲۶- تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاه ها و واحدهای اقتصادی و تولیدی توسط نمایندگان منتخب کارگران.

۲۷- تشکیل هیات های بازرسی کارگری برای نظارت بر اجرای صحیح قانون کار در سراسر کشور و کلیه واحدها و موسسات، از جمله در خدمات خانگی.

۲۸- التزام کارفرما به مشاوره با نمایندگان کارگران در مورد هر تصمیمی که بطور اساسی روش کار، ساعات کار، محیط کار و تعداد کارگران تحت اشتغال را دستخوش تغییر میکند.

۲۹- حق نمایندگان کارگران به بازرسی دفاتر بنگاهی که در آن کار میکنند. کارفرما موظف است کلیه اطلاعات مورد نیاز کارگران در این بازرسی را در اختیار آنها قرار دهد.

## رفاه و بیمه های اجتماعی

۱- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال.

۲- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد رسمی، به همه افراد بالای ۵۵ سال که فاقد حقوق بازنشستگی هستند.

۳- فرار گرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال که فاقد تامین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده میباشند تحت تکفل دولت.

**نه به تحریم اقتصادی، نه به سیاستهای دولت امریکا، نه به جمهوری اسلامی!**



## "انتخابات" امریکا و پیامدهای آن برای منطقه، جمهوری اسلامی و اپوزسیون (متن گفتگوی مینا تهرانی با سلام زیجی)

از زاویه دیگر نیز حتی شیوه برخوردشان به همین انتخاباتشان گویایی بی اعتباری

حق شهروند و بازی به آرای آنها است. در میان رقابت این دو تا همه شواهد میگوید که بایدن چند میلیون آراه بیشتر آورده و بر اساس سیستم خودشان برنده است، اما "دولت دمکراسی" ترامپ از پذیرش آن تا این لحظه که سه-چهار روز میگذرد خودداری میکند و از "تقلب" صحبت میکند و عملاً کل سیستم انتخاباتی دمکراسی پوچ بورژوازی خودشان را هم به تمسخر گرفته است و حتی پیشیزی هم به نظر و حکم دستگاه قضائی دولتشان هم که قاعدتا باید به ادعای ترامپ رسیدگی کند، قائل نیست.

از این رو از نظر من و هر کارگر آگاه و انسان واقع بین روشن است که این اتفاقات تأثیر بنیادی و یا مثبتی نه در سرنوشت "رای دهندگان" و نه در سرنوشت جهان خواهد گذاشت، ضمن اینکه پیامدهای معینی ممکن است به دنبال داشته باشد و در ادامه بدان اشا ره خواهیم کرد.

**سوال: بنظر شما پیامدهای این انتخابات برای جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ چرا بخشی از ایرانیان و اپوزسیون راست خواهان پیروزی ترامپ بودند؟**

**سلام زیجی:** اجازه بدهید از بخش آخری و مربوط به اپوزسیون شروع کنیم. دلیل روشن آن این است که این بخش از اپوزسیون بی ربط هستند به سرنوشت جامعه و به منافع واقعی شهروندان در ایران. اسمشان "اپوزسیون" است، اما برابری تفاوت بنیادی با خود جمهوری اسلامی ندارند، یک ماهیت طبقاتی مشترک دارند. تفاوتشان در شکل روبنای و مذهبی حاکمیت است. آنها به جای برجسته کردن "اسلام"، ملی گرائی و شونیسیم و ناسیونالیسم و "میهن" و ارتجاع قوم پرستی را برجسته تر میکنند. همین! درست شبیه شکل ملی گرائی و فاشیستی ترامپ.

این اپوزسیون تصورشان این بود که میتوانند در سایه ترامپ و سیاستهای ضد انسانی تحریم اقتصادی به قدرت برسند، یا امتیازاتی از جمهوری اسلامی بگیرند. اینکه گفته میشود ترامپ و این اپوزسیون خواهان سرنوشتی هستند، دروغ آشکاری است،

ادامه

**سوال: ارزیابی عمومی شما از انتخابات اخیر در امریکا و پروسه تاکنونی آن چیست؟**

**سلام زیجی:** اگر چه محتوا و ماهیت انتخابات در امریکا تقریباً یکسان و تکراری است اما امسال دارائی ویژه گیهای نیز بود. قبل از اشاره به این ویژه گیها ترجیح میدهم در باره نفس این نوع انتخاباتها و آنهم در "مهد دمکراسی" بورژوازی نکاتی عرض کنم. بنظر من در این انتخابات در امریکا و نه در هیچ جای از جهان سرمایه داری ما شاهد انتخابات واقعی و آزادانه همه شهروندان نبوده و نیستیم. چرا که در اینجا پول و ثروت محور اصلی و عامل تعیین کننده برای کاندید شدن و رای آوردن و شرکت در رقابتهای درون این نوع سیستم است، نه وجود شرایط برابر برای همه!

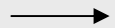
**در جامعه سرمایه داری و بازی در سیستم آنها تا پول و ثروت نداشته باشید، تا قدرت بسیج شکل دادن به آلترناتیو دیگری نداشته باشید نمیتوانید در این بازی که اسمش "انتخابات" است به پیروزی رسید.**

در اینجا کاندیدهای درون یک طبقه، طبقه سرمایه دار، است که به میدان میایند و شهروندان را به "انتخاب خود" فرا میخوانند، تحریک میکنند و قول اصلاحات و تغییرهای دروغین میدهند. در همه تاریخ امریکا بغیر از مواردی کوچک اساساً به حکم میلیاردها دلار هزینه کردن و مهندسی افکار عمومی است که دو حزب بورژوا جمهوری خوا و دمکرات قدرت را بین خودشان دست بدست میکنند و مانع عروج نسل و جریان سومی و مترقی و پیشرو شده اند. این واقعیت در حالی است که تفاوت بنیادی بین سیاستهای این احزاب بورژوازی اصلاً وجود ندارد!

بدینترتیب شرایط حاکم در امریکا برای کسانی که هزار بار ذیصلاحتر از ترامپ و بایدن و احزابشان هستند و برای جنبشی طبقه کارگر و روندی که عدالتخواه و آزادیخواه و برابری طلب است به هیچ وجه هموار نیست. که بخشاً نقشه آگاهانه هر دو حزب دست راستی حاکم و بخشاً ناتوانی و ناآمدگی روند جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و آزادیخواهان است تا چنین شرایط نامطلوبی به وجود بیاید. در جامعه سرمایه داری و بازی در سیستم آنها تا پول و ثروت نداشته باشید، تا قدرت بسیج شکل دادن به آلترناتیو دیگری نداشته باشید نمیتوانید در این بازی که اسمش "انتخابات" است به پیروزی رسید. یک ویژه گی مهم این انتخابات شرکت کم سابقه مردم در آن است که متأسفانه همه شرکت کنندگان، مستقل از انگیزه شان، به بازیچه و لشکر بی اراده این دو قطب حامی نظام افسارگسیخته سرمایه داری تبدیل شده اند. عملاً به خدمت جدال درونی همان طبقه سرمایه دار در

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**



**"انتخابات" آمریکا و پیامدهای ...**

نه ترامپ و نه اپوزسیون ملی -اسلامی ایران هرگز خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نبوده اند، بلکه فکر میکنند از راه اعمال فشار اقتصادی، نظامی و بحرانسازیهایی دولت ترامپ عملاً راه "بهتر" شدن جمهوری اسلامی، اصلاح اوضاع و یا امکان مشارکت و "دوره گذار" در قدرت را دنبال کرده اند.

این اپوزسیون که همواره حامی سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی بوده اند تجربه چندین ساله نشان داده که این سیاست به نفع جمهوری اسلامی و به زیان جامعه تمام شده است. جمهوری اسلامی که حکومت بهره گرفتن از فجایع ("نعمت الهی") است، و توانسته جنایتهای سرکوبگرانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را به بهانه همین سیاست تحریم اقتصادی توجیه کرده و راه عبور دور زدن از تنفر گسترده جامعه پیدا کرده است. انگشت اتهام و عاملین فقر و گرسنگی هم سابقه در ایران را به بیرون دراز کرده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی بر روی دریائی از پول و ثروت کشور لم داده و از آن برای بقای خود و گسترش ابزار سرکوب بهره میگیرد.

تحریم اقتصادی نه دولت و نه سرمایه داران ایرانی را تضعیف نکرده است، بر عکس بر ثروت آنها افزوده است، اینجا اکثریت کارگر و زحمتکش کشور هستند که کمرشان زیر بار فقر ناشی از تحریم اقتصادی هر دو دولت جنایتکار آمریکا و ایران شکسته و این وضع بر تداوم مبارزه انقلابی جامعه و طبقه کارگر نقش منفی گذاشته است. مبارزه ای که روی پای خودش به ایستد، اعتماد بنفس داشته باشد و بدون امید به هیچ دولت و جای برای سرنگونی کلیت این نظام گام جدی بردارد. ترامپ و محاصره اقتصادی و جمهوری اسلامی و این بخش از اپوزسیون همه در یک صف چنین موقعیت شکنندگی به جامعه و به مبارزه آزادیخواهان تحمیل کرده اند. دلیل حمایت اپوزسیون راست از ترامپ و سیاستهای ارتجاعی دولتهای خارجی با این هدف است که راه شکل و شیوه مبارزه انقلابی و کارگری و آگاهانه را مسدود کنند و روشهای مستاصل از نوع رژیم چنج و امید بسته به این و آن جناح رژیم یا دولت خارجی و اپوزسیون ضد انقلابی را تقویت کنند.

سیاست همه اینها در بهترین حالت ممکن تلاش برای تدارک ملزومات تکرار سناریو شبیه سال ۵۷ است که در آن خمینی جلاد را جایگزین تخت نظام پهلوی مستبد گردن و انقلاب کنندگان و جامعه را سرخورده و ناکام کردند. نظامی را میخواهند در این روند باقی بماند که حتی بدون جمهوری اسلامی هم بتوانند اساس نظام و مناسبات شنیع و جنایتکارانه سرمایه داری و ارکانهای سیاسی، ایدئولوژیکی، خرافی، فرهنگی و کل بساط سرکوب دست نخورده باقی بماند، درست مانند دوره بعد از سال ۵۷، تا از نو و یک قرن دیگر با اسم دیگری استبداد سرمایه داری، و ملی گرایی و تشدید تنش قومی و مذهبی را تداوم بخشند. اپوزسیونی که برای این امر ضد انقلابی تلاش میکنند باید با جمهوری اسلامی در یک گور به گور سپرده شوند!

در باره جمهوری اسلامی بنظر سیاست زیاد متفاوتی از هیچ سو در پیش گرفته نخواهد شد، مهمترین اتفاق صورت گرفته تصور میکنم در همان چهارچوب "برجام" باشد که دولت جدید با ریاست بایدن ممکن است دقیقاً و نعل به نعل همان سیاستهای دولت ترامپ را ادامه ندهد اما در عین حال همچنان بر آن چهارچوب باقی خواهد ماند. رمز پنهان پشت "برجام" تقسیم سهم و حفظ منافع و امنیت دو قطب سرمایه داری در ایران و آمریکا و دول غربی است که باید حول آن توافق کنند. و تا رسیدن به این توافق انواع دوز و کلک و ارباب و مردم فریبی کرده و خواهند کرد. برای ما مهم این نکته است که اعلام میکنیم سیاستهای دولت دمکراتها و بایدن هم درست شبیه ترامپ نمیتواند در جهت منافع اکثریت شهروندان و به نفع تداوم مبارزه ما برای کسب آزادی و برابری و پیروزی بر

**پیروزی ما تنها و تنها در گرو اتکا کردن به خود و به جنبش پیشرو کارگری و سوسیالیستی و سرنگونی این نظام و همه ارکانش بدست خود ما است که میتواند آزادی و برابری و خوشبختی را به دست آورد، نه در انتظار ماندن و از راه جدال دشمنان آزادی و انسانیت و امید بستن به طرفداران نظام سرمایه داری و دولتها و احزاب ملی گرا و مذهبی اش در ایران و جهان!**

جمهوری اسلامی باشد! بر عکس تصور ضد حقیقت گوئی و فریبکارانه دولت ترامپ و اپوزسیون مرتجع راست ایران، ترامپ جمهوری اسلامی را تضعیف نکرد! و دولت بایدن هم این رژیم را در راستای تامین منافع و آزادیهای ما کارگران و اکثریت جامعه تضعیف نخواهد کرد! ادامه سیاست اعمال فشار، حال به شکل دیگری، باز به منظور تقسیم سهم و گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی و تامین منافع آمریکا در منطقه اساس سیاست آنها خواهد بود.

در اینجا فاکتور مهم دیگری را هم در این کشمکشهای جهانی و منطقه ای باید در نظر گرفت، آنهم دوره پایان قلدری جهانی آمریکا، و دوره میدان دار شدن رقبای جهانی از نوع چین و روسیه در مقابل آمریکا است که حتی در منطقه خاورمیانه از ایران تا ترکیه و سوریه و... را عملاً به زیر هژمونی خود کشانده اند و موقعیت آمریکا را تضعیف کرده اند. این واقعیت سدی را در مقابل میداننداری سیاست خارجی آمریکا و ناتوانی آن را در دخالت موثر در منطقه ایجاد کرده است.

اما تا جایی که به ما به عنوان طبقه کارگر و مردم آزادیخواه مربوط است این درس بسیار بزرگ و سرنوشت ساز را باید گرفته باشیم که، مستقل از جدال دولتهای ارتجاعی، باید بدانیم همانگونه که در این مدت از جمله در دوره دولت ترامپ متوجه شدیم که هر درجه ای از توهم و انتظار و امید بستن به "فرشته نجات ترامپ" به زیان ما و مبارزه مان، به زیان جنبش برای آزادی برابری و روند سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، و اما به نفع جمهوری اسلامی و دولت آمریکا و اپوزسیون دست راستی و مزدورمنش و به نفع سرمایه داران فاسد و دزد تمام گردید، تکرار این سیاست انتظار و چشم امید بستن به دولت

ادامه

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

## "انتخابات" امریکا و پیامدهای ...

هیئت حاکمه امریکا حاضر است حتی نیروهای سناریو سیاهی را با جمهوری اسلامی به جان هم به اندازد تا مانع پیروزی جنبش آزادیخواهی و کارگری شود، توجه داشته باشید دقیقاً با همین هدف بود که همین "دمکراتهای" امریکا سال ۵۷ خمینی و جریان اسلامی را برای سرکوب انقلاب ۵۷ ضد سلطنتی ما ساختند و تحمیل کردن به جامعه ایران، حالا هم همین سیاست کثیف را دارند! اینکه "جمهور خواه امریکا" تصویر جنگجو و لات منشی و ملی گرایانه از خود نشان میدهد با "دمکرات امریکائی" در ظاهر "آرام تر" و "حقوق بشری" تر به هیچ وجه گویای تفاوت پایه ای آنها در پیشبرد سیاستهای ضد آزادیخواهانه امپریالیستی و ویرانگر امریکا نبوده و نیست!

**سوال: خامنه ای، روحانی و ظریف ادعا کرده اند فرقی نمیکنند برایشان چه کسی در امریکا رئیس جمهور میشود، در هر حالت آنها سیاست خود را به پیش میبرند.**

**سلام زیجی:** فکر کنم در سوال قبلی به این موضوع پاسخ دادم، مهمترین موضوعی که به زیان جامعه و به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود تداوم سیاست اپوزسیون راست ملی گرا و مذهبی است که همچنان بخشی از جامعه را متوهم به "نقش آفرینی" مقامات امریکائی کنند. و این دقیقاً در راستای تامین منافع جمهوری اسلامی هم هست. و زمانی اوضاع به نفع جمهوری تداوم پیدا میکند که جنبش ما به اعمال یک مبارزه گسترده و متحد انقلابی و قهر آمیز متکی به خود روی نیاورد. موضوع کلیدی که در صورت تداوم آن به بقای جمهوری اسلامی کمک میکند این است که طبقه کارگر حول سیاست و پرچم سوسیالیستی متشکل و متحزب نشود، و برای سرنوشتی نظام طبقاتی حاکم گام جدی و عملی بر ندارد، و نخواهد یا نتواند نظام سیاسی و حکومتی کارگری خودش را مستقر نکند.

در کنار این خلاهای بزرگ، چنانچه از نو همان اپوزسیون ورشکسته سلطنت طلب و مجاهد و قوم پرستان مرتجع فدرالیست چی های کرد و آذری و غیره دوباره بعد از سرخوردگیشان در دوره ترامپ و شکست نسبی امروزی دولت ترامپ، از نو بتوانند به صف شوند و مسئولان جدید وزارت امور خارجه دولت بایند برایشان دانه بریزید و به صفشان کنند و از نو برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی آنها را تقویت نمایند و از این راه دوباره بخشی از جامعه فریب این دو دوزه بازیها و عوامفریبی اپوزسیون راست ایران بخورن، کار ما دشوارتر خواهد شد. این یعنی کمک مستقیم به بقای بیشتر جمهوری اسلامی. بنظرم مسئولین این رژیم جانی مورد اشاره شما به وجود این ظرفیتهای دست راستی واقفند و کیسه برایش دوخته اند تا از آن به نفع خود بهره بگیرند. وقتی چنین اپوزسیون مسلح و غیر مسلح عقب مانده ملی گرا، شونیست و مذهبی سر و صدا دارد در سایه حمایت امثال امریکا و عربستان و غیره، وقتی الگوهای سیاسی و حکومتی این نوع اپوزسیون را همین امروز مردم در سوریه و عراق و یمن و لیبی و افغانستان میبینند، معلوم است که جمهوری اسلامی به عنوان "برگ برنده" تبلیغاتی خود از آن سود میبرد و به همین مردم می گوید "اگر جمهوری اسلامی نباشد این اپوزسیون همین بلاها را سر جامعه ایران می آورند"، و بدینترتیب در نهایت هم جمهوری اسلامی و هم دولت امریکا و هم این اپوزسیون به هدف ضد انقلابی خود در سنگ اندازی و مهندسی افکار عمومی و ممانعت از عروج و گسترش رویکرد انقلابی در ایران رسیده اند.

ادامه

بایدن نیز سم است برای جامعه ای که برای آزادی خود میجنگد. تصور "بهبود اوضاع" و دادن سرنوشت خود اینبار به دست سیاستهای در دولت حزب دمکرات حاکم در امریکا و آقای بایدن، بنظر من همان آسیبها را به جنبش آزادیخواهی خواهد زد که در دوره ترامپ زده شد.

در باره ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی در این مورد، من فکر میکنم بر عکس هیاهویی "دیپلماتیک" سران جمهوری اسلامی که وانمود میکنند با ترامپ مخالف اند و با بایدن موافق، آنها از سیاستهای ترامپ بیشتر سود برده اند تا امروز. و نگران هستند که سیاستهای بایدن ممکن است بیشتر مایه درد سرشان شود و آنهم وقتی که جریان حزب بایدن معمولاً بیشتر ابزار عوامفریبانه "حقوق بشر" را بکار میگیرند در جهت رامتر کردن جمهوری اسلامی. و این شگرد، بر عکس سیاست لات منشانه ترامپ، که بین جناحهای رژیم "اتحاد" ایجاد کرده بود، اینبار به ایجاد شکاف بیشتر درونی جناحبندهای رژیم سرمایه گذاری میکنند.

در هر حال، تفاوت بایدن و ترامپ و "دستاوردشان" برای من و شمای کارگر و آزادیخواه در حقیقت یکی است! هر دو بورژوا و ضد کارگر و ضد پیروزی صف آزادیخواهی، ضد جنبش سوسیالیستی، ضد انقلاب کارگری و آزادیخواهی کردن علیه جمهوری اسلامی، و هر دو حامی منافع بورژوازی در ایران و منطقه و امریکا هستند! چه جنگ، و چه آشتی جمهوری اسلامی با هر کدام از حاکمان امریکا به زیان جنبش ما است. ما نباید بر مبنای این جنگ و آشتی سیاست کنیم و اصول مبارزه خود را برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و کسب پیروزی تعیین نمائیم، باید علیه هر دوی آنها بود.

ما میتوانیم اگر اینبار به جای جنایتکاران شاه و شیخ ملیگرا و اسلامی، به جای پنا بردن به خرافات ضد انسانی مذهبی و ملی گرایانه، به جای افتخار به پرچم کثیف و خونین نرسالاری، و بجای سرایدن سرود های ضد انسانی- فاشیستی "مرز پرگهر" فارسی زبان، یا "یاشاسین آذربایجان" ترکی زبان، یا "که س نه لی کورد مردوه" کردی زبان، به انسانیت و به حق برابر شهروندی خود، به پرچم انسانی و سرخ رهاییبخش انترناسیونال، و به صف مستقل طبقه کارگر و زحمتکش و به آرمان سوسیالیستی متکی باشیم و برای ایجاد یک نظام شورائی-سوسیالیستی با هم بجنگیم. فراخوان "اتحاد" ما برای تحقق این امر سرنوشت ساز است، نه "آشتی" دادن کارگر و سرمایه دار، نه سازش طبقاتی بین استثمارگران و استثمار شوندهگان، یا تامین "اتحاد" بین صفوف انقلابیون و ضد انقلابیون!، نه!، این کار مرتجعین و عوامفریبان بورژوا و راست و پوپولیستهای عوامفریب است نه کار کارگر و سوسیالیسم و حقیقت گویان. تنها راه رهایی ما از دست جمهوری اسلامی و نظام فاسد سرمایه داری حاکم بر کشور، با احزاب داخل و خارج کشوری اش، و تنها راه پایان دادن به هر شکلی از ستم و نابرابری و تبعیض و فقر و جنگ و جنایت، انتخاب پرچم آزادیبخش طبقه کارگر، پرچم سوسیالیسم، و پیوستن به احزاب شبیه ما است!

**نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## "انتخابات" امریکا و پیامدهای ...

جمهوری اسلامی هم آشکارا از این فضا بهره برده، به مردم میگوید مرغ نخورید، مهم نیست گرسنه هستید، با بیکاری و فقر و کارتون خوابی بسازید چون "دشمنان میهن" در کمین هستند و خطر حمله نظامی هست و،، انواع ترفند و چرند مشابه را در جهت تداوم حاکمیت سیاه خود بکار میبرد و یک تعداد مزدور و مردم مرتجع و شکم سیرها را هم در این جهت به دانش میرساند و حمایتش میکنند.

هیئت حاکمه امریکا هیچگاه برای کنار زدن جمهوری اسلامی تلاش نکرده است، جمهوری اسلامی هم بر عکس پروپاگند که براه می اندازد در هر جایی منافعش تامین شده نه تنها با "مرگ بر امریکا" دشمنی ندارد بلکه در خیلی جاها با هم مشترکا در کشورهای مانند عراق و سوریه و یمن و افغانستان حتی همکاری و هماهنگی داشته و دارند.

تنها زمان که جمهوری اسلامی واقعا ضد منافع امریکا و دولتهایی مشابه عمل نماید و برایشان غیر قابل کنترل باشد، و همزمان آلترناتیو مورد پسندی هم داشته باشند( شبیه آلترناتیو سازی دوره خمینی و جریان اسلامی در سال ۵۷) ممکن است در صدد تغییر یا ساقط کردن جمهوری اسلامی بر بیایند. اما در شرایط کنونی نه در سطح جهانی و قدرت امریکا این روند ممکن است، و نه هیچیک از این دو فاکتور مقدور و ضروری شده است برای غرب و هیئت حاکمه امریکا. جمهوری اسلامی ایران کماکان اگر چه نامطلوب، اما یک رژیم قابل تحمل برای جهان سرمایه داری است. و یکی از کشورهای است که از راه سرکوب و فقر و بیکار سازی گسترده بزرگترین نیروی کار ارزان را در ابعاد دهها میلیونی در اختیار سرمایه داران ایرانی و جهانی قرار داده است.

وقتی در امریکا فاشیسم ترامپ غوغا میکند، نیروی کار ارزان و بیکاری دهها میلیونی وجود دارد وقتی راسیسم و نگاه ضد زن بر سرو کول رئیس جمهور تکنونیشن بالا میروند، چرا جمهوری اسلامی بخاطر این نوع مسائل مورد تهدید و فشار قرار بگیرد؟، کافی است دست از پروپاگند علیه اسرائیل بردارد و مقداری نرمش قهرمانانه بخرج بدهند، کاری که هم اکنون خامنه ای دارد انجام می دهد، میتواند مسیر روابط آن دو کشور را از جمله در دوره بایدن هموارتر کند.

توجه داشته باشید که سیاست غیرمسئولانه به پدیده کرونا و آنهم دقیقاً از سر منفعت اقتصادی شان یک وجه مشترک سیاست دولت ترامپ و دولت روحانی و خامنه ای است، با هزینه که برای تبلیغات انتخاباتی صرف کردن در امریکا میشد همه کارگران و مردم نیازمند را در منزل قرنطینه کرد و حقوقشان را تامین کرد و جان صدها هزار انسان را نجات داد، به همین شکل در ایران هم هزینه که فقط در اختیار اوباش سپاه و دستگاه مذهب قرار میدهند برای تامین مخارج همه اقشار آسیب دیده کافی بود و هست. این دولتها این امر مهم را امر خود نمی دانند چرا که منافعشان به خطر می افتد و این ماهیت مشترک این جنایتکاران حاکم سرمایه داری در چهار گوشه جهان نابرابر کنونی است.

ادامه

وقتی به این واقعیت تجربه شده نگاه واقبینانه ای داشته باشیم بله برای آنها مهم نیست چه کسی در امریکا رئیس جمهور میشود، مهم تامین این هدف و منفعت جنایتکارانه برای جمهوری اسلامی در ایران و منطقه است. از اینرو همانگونه بیشتر تاکید کردم با این اتفاقات در امریکا هیچ تغییر پایه ای صورت نمیگیرد. این امر به تحولات مبارزاتی ما در ایران گره خورده است که چکار میکنیم و چگونه میتوانیم گامهای بهتری برای تغییر تناسب قوای مبارزاتی و تحمیل عقب نشینی و شکست به جمهوری اسلامی برداریم. در هر صورت جمهوری اسلامی حکومت بهره گیری از "تشنجات" و "خطر خارجی" و "نعمت الهی" سیل و زلزله و کرونا است تا توجیهات لازم برای بقا و اعمال سرکوب زمینه و ظرفیت های انقلابی و مبارزاتی را در جامعه فراهم کند و آن روند را تضعیف و کم تاثیر نماید.

همین چند روز پیش دولت اسرائیل اعلام ایجاد "کمیته ویژه نظامی مبارزه با جمهوری اسلامی" را کردند، نفس این یعنی خوش خدمتی به جمهوری اسلامی و تامین همان شرایط "نعمت الهی" برای این نظام خون و جنون اسلامی، و در کنار فاجعه کرونا، فاجعه تهدیدات نظامی و فضای جنگی به فرار جمهوری اسلامی از زیر بار مطالبات گسترده جامعه کمک میکند. "دولت ترامپ" نیز در این اوضاع بحرانی خود و در این مدت عمر کوتاه باقی مانده اش شروع کرده اند به اعمال انواع تحریمهای اقتصادی دیگر، که قبلاً روشن کرده ایم و مردم هم با پوست و گوشت درک کرده اند که جمهوری اسلامی هیچ آسیبی در آن ندیده و نمیبیند بلکه اینجا زندگی شهروندان و قدرت مبارزه جوئی آنها است که بیشتر به نابودی کشیده میشود. دولت ترامپ و بقیه دولتهای سرمایه داری و غربی اگر واقعا ضد جمهوری اسلامی بودند بجای این سیاستهای ارتجاعی، که دودش به چشم مردم رفته، بروند این همه "اقا زاده" ها را در کشور خود بیرون کنند، بروند این همه مقامات آدمکش جمهوری اسلامی را در کشور هایشان بازداشت و اخراج کنند، بروند سفارخانه های سازمان ترور و تروریسم این رژیم را ببندند و...، اینها همه شان سر و ته یک کرباسن سرمایه داران و دشمنان آزادی و سوسیالیسم از ترس بیدار شدن خول خفته ضد سرمایه داری با همدیگر هم دعوا کنند و از همدیگر هم گاز بگیرند در آخر استخوان یکدیگر را خورد نمی کنند. موظب دشمن مشترک خود، یعنی خطر کارگر و سوسیالیسم هستند!

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهمه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

(سلام زیجی)

**مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## "انتخابات" امریکا و پیامدهای ...

یا تلاش کنند که در این دوره از درگیریهای نظامی در منطقه پرهیز کنند، و در سطح منطقه در تلاش خواهند بود وجهه و موقعیت تا کنونی خود را حفظ نمایند، اما به احتمال زیاد دولت بایدن هم با سیر نزولی موقعیت امریکا در جهان و منطقه مواجه گردد، چرا که گفتیم دوران یکه تازی امریکا سالهاست پایان یافته است و امروز قدرتهای اقتصادی و نظامی امپریالیستی دیگری در صدد پیشی گرفتن از امریکا هستند.

## سوال: در پایان اگر خودتان نکته ای دارید بفرمائید

**سلام زیجی:** با تشکر از شما!، خواستم به این مهم تاکید کنم: ممکن هست هر کسی تحلیل و ارزیابی متفاوتی از پیامدهای "انتخابات" در امریکا داشته باشد، اما برای من و جنبش ما، جنبش طبقه کارگر، و دهها میلیون انسان تشنه آزادی و برابری و تلاشگر خلاصی از دست جمهوری جنایتکار اسلامی این است که نبایت هرگز مرعوب پروپاگند و جدال مضحکه انتخاباتی دولتهای مانند جمهوری اسلامی و امریکا و هیچ دولت سرمایه داری دیگری شویم. نباید فریبشان خورد، نباید هیچ امیدی به تغییر در زندگی از کانال آنها داشت. چه در داخل کشور و چه در خارج اینها هیچگا دوست ما نبوده و نیستند. همه اینها به هدف تدوام بقای خود و حفظ منافع سرمایه داری از مردم همواره به عنوان گوشت دم توپ و ابزار به قدرت رسیدن و اعمال جنایتکارانشان بهره میگیرند. باید به خود و قدرت متحد جنبش بزرگ و مستقل آزادیخواهانه و سوسیالیستی خود متکی باشیم.

جهان و ایران با وجود امثال ترامپ و بدون او، با وجود خامنه ای ها و بدون آنها، در گرو نقش آفرینی انقلابی ما و اتحادمان حول سیاست و اهداف روشن و ضد سرمایه داری و ممتکی به پرچم و استراتژی سوسیالیستی است که راه کنار زدن این اوباشان جنایتکار و حافظان سرمایه داری، و تحقق اهداف و آرزوهای دیرینه مان را هموار و ممکن خواهد کرد!  
در غیاب این آمادگی سیاسی و اقدام عملی هرگز به آزادی و برابری و رفاه و امنیت نه در ایران و نه در هیچ جای نائل نخواهیم گردید، همانگونه که تا حال متأسفانه متحقق نگردیده است.

(این متن بر مبنای گفتگوی صدا/تصویری مینا تهرانی با سلام زیجی در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰ تهیه و پیاده شده است)  
منبع: شماره ۱۳۶ نشریه سوسیالیسم امروز  
اول آذر ۱۳۹۹  
۲۱ نوامبر ۲۰۲۰

**لطفا برای تماس مستقیم با دبیرخانه حزب**

**سوسیالیست انقلابی ایران تنها با این آدرس**

**تماس حاصل کنید**

**[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)**

**سوال: در صورت قطعی شدن پیروزی بایدن بر ترامپ چه تغییراتی در زندگی مردم امریکا خواهد افتاد، چه سیاستی در قبال برخورد به جهان و مشخصا منطقه خاور میانه در پیش خواهند گرفت؟**

**سلام زیجی:** تا جایی که به داخل امریکا بر میگردد من فکر نمی کنم اتفاق زیادی صورت بگیرد، اما ممکن است به دلیل دامنه قدری و رفتار فاشیستی تا کنونی ترامپ حول پاره ای مسائل اصلاحاتی حول بیمه های اجتماعی، حق و حقوق مهاجرین و موارد مشابه صورت بگیرد، و باید مثبت ارزیابی کرد، اما در بعد کلی و اینکه اتفاق مهمی به نفع صدها میلیون کارگر و انسان کم در آمد صورت بگیرد، اینکه در چند دهه اخیر فاصله طبقاتی در امریکا چند برابر شده است با آمدن بایدن این فاصله کمتر نمیشود، اینکه حتی در دوره کرونا سرمایه داران به ثروتمندان افزوده شده است، با آمدن دمکراتها اتفاق مهمتری به نفع شهروندان صورت نمیگیرد. و فراتر از همه اینکه راه برای ایجاد تشکلهای پیشرو کارگری و حزب جنبش سوسیالیستی و کارگری هموارتر گردد یک انتظار پوچی است، تصور نمیکنم در این مسیر هیچ اتفاق مهمی صورت بگیرد چرا که بایدن و حزب دمکرات با اندکی تفاوتی، فرق بنیادی با جمهوریخواهان در زمینه سیاست اقتصادی، حکومت داری، جهان بینی سرمایه داری، سیاستهای خارجی شان تا میرسد به امر حقوق برابر شهروندی، با یکدیگر ندارند. با این حال نفس نماندن ترامپ و سیاستهای عریان فاشیستی و نژادپرستانه او در " کاخ سفید" مملو از یک تاریخ خونین، میتواند زندگی را اندکی برای شهروندان، حداقل در امریکا، لذت بخش تر کند.

اما در بعد بین المللی ممکن است تفاوتهای بیشتری در سیاست خارجی امریکا نسبت به دوره ترامپ صورت بگیرد، بحران اقتصادی از یک دهه پیش و در ادامه بحران کرونا و جنگ و خونریزیهای که در چند کشور در جریان است و دولت امریکا یک پای ثابت آنها بوده تا میرسد به موضوع گرما و معاهده پاریس، و معضلات فلسطینیان و سیاست جنایتکارانه دولت اسرائیل و دیگر موضوعات که در دوره ترامپ تحت شعار " اول امریکا" به تیرگی گرایده بود مورد تجدید نظر قرار بگیرند، یا حداقل در برخی از آنها تصمیمات دولت ترامپ ملغا شوند. دولت ترامپ که حتی کاملاً هم مورد حمایت بخشی از رهبری جمهوری خواهان نیز نبود، به درجاتی باعث ایجاد شکاف بین قطبهای بورژوازی از جمله با اروپا شده بود، در تحولات منطقه ای در مقابل روسیه و چین مجبور به عقب نشینی شده بود و این روند زیاد باب طبع دمکراتها نیست. بقول بایدن " امریکا بر میگردد" میتواند به برگشت و همراهی بیشتر با دوستان کاپیتالیستی امریکا از جمله اروپا منجر گردد.

در خاورمیانه به ویژه ممکن است همان سیاست شناخته شده نه سیخ بسوزد و نه کباب در برخورد به کشمکش فلسطین و اسرائیل را احیا کنند، مانند روش فاشیست مآبانه ترامپ در حمایت از اسرائیل یکجانبه پشت اسرائیل را نگیرند.

**نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیاناش!**



## کوید ۱۹ و اقدامات تازه جمهوری اسلامی قاتل!

آذر کیمیا

جمهوری اسلامی با همان روش دوره پنهان کردن شیوع کرونا اکنون بعدا رسیدن ارقام مرگ و میر به پانصد نفر در روز دست به اقدامات تازه ای زده اند با حفظ منافع اقتصادی خودشان.

۷۰ درصد اصناف از شنبه اول آذر تعطیل می شوند. هیچکدام از وعده های دولت روحانی و کلیت نظام جمهوری اسلامی عملی نشده است. این روزها در دوران حاکمیت کرونا و جمهوری اسلامی دوران را دو باره باز نگری و دوره می کنیم.

افراد کشته های از بیماری کرونا در روز تا ۵۰۰ نفر میرسد. و در نهایت دولت تن به تعطیلی سراسری تهران و دیگر شهرهای قرمز میدهد. از شنبه ۷۰ درصد اصناف تعطیل خواهند شد و در صورت تخلف جریمه و پلمپ در انتظار واحدهای صنفی است. با بسته شدن کشور ایای دولت تسهیلاتی به مردم و اصناف می دهد خیر، آیا باید باشکم خالی قرنطینه شد یا دولت هزینه زنده ماندنشان را میدهد؟ پاسخ دولت روشن است! بمیرید از دولت و امام و دزدها حاکم هیچی نخواهید! پس مردم از کجا بخورند به کسی ربطی ندارد!

در این روزهای سخت و نفس گیر توده های تحت ستم طبقه کارگر ایران در حالی بار شرایط اقتصادی حاکمیت که با زور چماق سرکوب شکنجه و زندان از ان محافظت می شود نگاه صحنه های غم انگیز و شکنجه اوری که اشک کارگرانی که توان تامین نان خالی برای خانواده هایشان را ندارند کسبیل شدن نیازمندان بر سطل های زباله برای پیدا کردن تکه ای نان گسترش قبر خوان کارتن خوابان تجلی نفرت انگیز دیگر نظام سرمایه داری حاکم که چهره ی بحرانی جامعه تحت ستم مارا جمع بندی کرده اند تعجبی نخواهد داشت.

مرگ بر این نظام، لعنت و نفرت به سرمایه مداران ایرانی

منبع: شماره ۱۳۶ سوسیالیسم امروز

اول آذر ۱۳۹۹] ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰

**زنده باد واحدهای  
مقاومت انقلابی!  
مرگ بر جمهوری  
اسلامی!**

آدرسهای تماس:

Iransocialist2017@gmail.com

S\_zijji@yahoo.se

## کدام آبان؟ آبان پایمال شده!

مینا تهرانی

طی سالهای گذشته اعتراضات به اشکال گوناگون در تمام سطوح جامعه از اعتراضات فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران، کارگران بیکاران، و مال باختگان در ابعاد وسیع و حتی بطور روتین در سطح کشور انجام شد، تا به آبان ۹۸ رسیدیم شورش آبان که با گران شدن بنزین و دیگر مسائلی که حاکی از اوضاع نا بسامان و مستحب و آماده انفجار از ظلمی که طی چهل سال بطور واقعی و ملموس در تمام مراحل زندگی و شئون اجتماعی مردم رد پای آشکار و قابل لمس را میتوان دید و فشار بیش از حد، توان و تحمل را عملا از مردم گرفته. این رأیم ضد انسانی هار شده در مقابل تا سر حد جنون به خیابان ها قشون کشید و موجب در گیری و کشتار عده ای زیادی از جوانان و مردم بی گناه وبی دفاع شد.

حال مسئولین قاتل کشور از بس بیشرمی در مقابل داد و فریاد حق خواهان جامعه و کسانی که عزیزانشان را از دست داده اند و بعداز از اینهمه بیداد و ظلم و کشتار و حق کشی ها میفرمایند، کدام آبان؟ همان آبانی که لرزه بر اندام حضرات و مسئولین مملکتی انداخت، همان آبانی که مردم از گرانی بنزین به خیابانها آمدند و عده بسیاری که تنها وسیله امرار معاش خانواده با مسافر کشان و رانندگان اسنپ و غیره... بود کشتار کردید!

از طرف دیگر کرونا مزید بر علت فشار مالی و درمانی مردمی که نه بیمه خدماتی دارند و نه بیمه بیکاری و نه مدیریت درست و کارآمد و نه حمایت های دولتی را دارند که بتوانند اوضاع آشفته اقتصادی ایران را کنترل کنند. طبق اخبار موثق امروز ۶۰ میلیون واجد شرایط کمک های حمایتی هستند با دادن صد هزار تومان کمک یارانه، میخواهند مشکلات مردم را حل کنند، واقعا که باید به مسئولین و مدیران اداره کشور مدال افتخار داد، از طریق بورس ته مانده پس انداز مردم را از جیبهایشان دزدیدند!! آیا مردم با اینهمه گرانی و تورم، تاب و توان ادامه زندگی را دارند؟

آیا وقت آن نرسیده که غاصبان حکومت دستهای خود را بالا برده و تسلیم این مردم ستمدیده شوند؟ از انواع جنایاتی که مرتکب شده اند و زندگی و معاش و آینده و سلامت و روح و روان اکثریت کارگران و زحمتکشان و فرهنگیان و بازنشستگان که به گروگان گرفتند دست بردارند و بروند دست از سر این مردم و مملکت بردارند.

و حالا از فردا اول آذر ماه برای دو هفته قرنطینه کامل و کاهش ساعت کار و بسته شدن مغازه ها از ۶ عصر و منع تردد و خارج شدن وسیله نقلیه از شهر محل سکونت و اجرای سختگیرانه و جریمه برای ناقضان این حکم.

به امید نابودی هر چه زودتر این ویروس مرگبار و کشنده در کل ایران و جهان!

به امید نابودی ویروس جم، هوری اسلامی

زنده باد آزادی

برقرار باد سوسیالیسم

منبع: شماره ۱۳۶ نشریه سوسیالیسم امروز

۲۱ نوامبر ۲۰۲۰

۱ آذر ۹۹

--

**شونیسم و ملی گرایی و اسلام دو روی سکه یک طبقه و جنبش ارتجاعی اند!**

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

این رژیم را باید سرنگون کرد و سرانش را در ملاء عام محاکمه نمود! چه مرده و زنده باید محاکمه شوند! هر فردی یک روز در هرم قدرت دولتی و ارگانهای نظام اسلامی قرار گرفته و "خدمت" کرده باشد. بدون استثنا، کم و بیش، هر کدام به نسبت وزن و موقعیت جنایتکارانه و فاسدی که داشته است، شریک جرم این رژیم در چهار دهه کشتار و آدمکشی و فساد و دزدی و نابودی جامعه ایران هستند! هر نیرو و فردی، ولو با اندکی درک و برخورداری از احساس و آرزوی انسانی، و با حداقلی از خواست آزادی و برابری در وجودش باید برای از سر راه برداشتن چنین نظامی گامهای جدی بردارد. ما باید و موظف هستیم به این روند جنایتکارانه حاکمیت جمهوری اسلامی نقطه پایانی بگذاریم! (سلام زیجی)



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

**اخراج و بیکارسازی موقوف!**